

## بحث لغوی دشمنایگی

در کتب ادبی چاپ شده ما، مثل کلیله و دمنه و تاریخ بیهقی و مرزبان نامه، لفظی آمده است بمعنای دشمنی و عداوت، ولی بصورت دشمنانگی، که چون شباهتی ظاهری با لفاظی مثل مردانگی و زنانگی و شادمانگی و جاودانگی داشته است هیچ کس شکی در باب صحت آن نکرده و در صدد تحقیق اشتقاق آن بر نیامده است.

اول بار که بنده بصورت غیر مأنوس دشمنایگی برخورددم در مقاله ای بود که مرحوم پروفیسور براون در مجله انجمن آسیائی همایونی انگلستان نوشته است درباره يك نسخه کهن از يك تفسیر قدیم قرآن بزبان فارسی که در کتبخانه اونیورسیتة کیمبریج محفوظ است. در صفحه ۴۶۱ این مقاله لفظ دشمنایگی را مرادف دشمنی و در قبال شقاق عربی ضبط کرده و نشانی داده است که در آن تفسیر که تاریخ تحریر آن ۶۲۸ هجری است لا اقل هشت بار این لفظ بدین صورت (دشمنایگی) آمده است.

بنده هم مثل سایر هموطنان فوراً آن را غلط کاتب گمان کردم، زیرا که ما گمان می کنیم آنچه امروز ما در زبان فارسی داریم همیشه بهمین صورت بوده است و آنچه نزد ما متداول نباشد غلط است و هرگز صحیح نبوده است. مع هذا اینکه در آن نسخه قدیم هشت بار این لفظ بدون استثنا به یاء نوشته شده است نه بنون، بنظر بنده لایق تحقیق بود تا صحت و سقم آن مسلم شود. از استاد و دوست بزرگوار خود پروفیسور هنینک، استاد السنه قدیمه ایرانی در مدرسه تحقیقات شرقی و افریقائی لندن، سؤال کردم. محتاج بگفتن نیست که امروزه در فرق اشتقاق لغات فارسی و اصل و ریشه آنها و معرفت السنه قدیمه ایرانی این استاد بزرگوار بی مثل و مانند است. استاد هنینک با مایلیمت و تردیدی که شیوه علمای محقق است فرمود تصور میکنم که شاید دشمنایگی به یاء صحیح باشد. بنده اگر چه کاملاً متقاعد نشده بودم قول استاد را در ذهن خود

ضبط کردم. از قضا سفری به ترکیه پیش آمد، و در استانبول نسخه‌ای قدیم و خوشخط و صحیح و معتبر از کلیله و دمنه بهرامشاهی در کتابخانه جلال‌الله افندی یافتیم، مورخ ۵۵۱ یعنی ۱۲ سال پس از انشای کتاب. عکسی از آن تحصیل کردم و آن را بطهران آوردم و با عکسهای نسخه‌های دیگری نزدیک آن زمان که از کتابخانه‌های دیگر تهیه شده و در طهران فراهم آمده بود موقع را برای تصحیح متن این کتاب که از بنیانهای استوار زبان فارسی است مناسب دانستم و مشغول مقابله و تصحیح آن شدم. از همان موقعی که در استانبول بآن نسخه برخوردیم متوجه شده بودیم که آنجا هم، اگرچه بعضی اوقات کاتب در نقطه گذاری صرفه جوئی کرده و این لفظ را گاهی دشمنانگی نوشته که معلوم نیست به نون باید خواند یا به یاء، در چند مورد صریحاً دشمنایگی نوشته و هیچ وقت دشمنانگی ننوشته است. این مؤید نظر استاد بود، و ناچار از طهران بخدمت او نامه‌ای نوشته تقاضای توضیح بیشتر کردم. شش ماه پیش ازین پرسوره‌نیک در جواب بنده این شرح را درباره این لفظ نوشت (اصل نامه به انگلیسی است و بنده اینجا ترجمه فارسی آن را می آورم و الفظی را که بخط پهلوی یا بخط متداول بین مستشرقین که برای نقل کلمات شرقی وضع کرده‌اند نوشته است از ناچاری بخط خودمان می نویسم):

من لفظ دشمنایگی را باین جهت ترجیح میدادم که گمان می کردم این لفظ دنباله لفظ دشمن یادیه فرس میانه است که در زبانهای آن زمان لفظ متداول برای معنی دشمنی همان است؛ در واقع نفس الامر بایست \*دشمن یادگیه باشد که تا آنجا که من میدانم وجود ندارد. در این لفظ اخیر حرف ذ باید به ی بدل شده باشد (که قاعده بجاست)، و حرف ی اولی ساقط شده باشد (که ممکنست).

با وجود این يك وجه دیگر نیز امکان دارد: یعنی اینکه لفظ امروزی فارسی از اصل قدیمتری آمده باشد، یعنی از ماده قوی دشمن یاو. در این صورت و بایست بدل به ی شده باشد، و ی قبل از آن قریب به یقین است که می افتاده (چنانکه در خود لفظ دشمن افتاده که اصل ایرانی قدیم آن دشمنیو- بوده).

ضعف این فرض دومی در اینست که چنین صورتی (دشمنیاو) در فرس میانه یافت

نشده است؛ و حال آنکه قوت آن فرض نخستین در همین امر است که دشمنیادیه شکل متداول و لفظ معمولی برای این معنی در فرس میانه است. علاوه برین برادری هم در زبان پهلوی عهد اشکانی دارد که دشمنیادیت باشد. صرف این امر که در هر دو زبان، بلکه در هر سه زبان، از این لفظ اسم معنی را بصورتی غیر عادی ساخته‌اند خود دلیلی است بر اینکه هر سه اسم معنی از یک اصل است. بهر حال این را باید مسلم گرفت که لفظ دشمنی صورت بالتسبیه تازه‌تری باید باشد؛ قبل از فرس جدید، یعنی در پهلوی، بوجود آمده بوده و هست (بشکل دوشمنیه)، ولی نه در فرس میانه مانوی بوده است و نه در پهلوی اشکانی.

باین مناسبت توجه باین نکته خوبست که صورت دشمنیاد بمعنی دشمنی در زبان خوارزمی (دشمن = دشمن) فی الواقع از همان ماده قوی سابق الذکر، یعنی دشمن یاو گرفته شده و صورت آن «دشمناو» بوده است که بایساوند «یاد» ترکیب شده است که در خوارزمی علامت اسم معنی است.

این بود بیان مطالب استاد هنینگ بفارسی، و چنانکه می بینید پیشبینی صورت دشمنیادگی و دشمنیادگی را کرده که هرگز ندیده بوده، و با آنکه وجه دیگری هم برای اشتقاق لفظ دشمنیادگی ذکر کرده است آن صورت اول را رجحان داده است. مطلب ممکن بود بهمین جا منتهی گردد و این دو فرض استاد بی آنکه نتیجه متیقنی از آن گرفته شود بماند. ولی این ایام چنانکه میدانید کتاب معارف بهاء ولد منتشر گردید که آن را جناب آقای بدیع الزمان فروزانفر از روی چهار نسخه خوب و معتبر تصحیح کرده و بطبع رسانیده‌اند. چند روز قبل دوست گرامی آقای دکتر محمد معین استاد ارجمند دانشگاه و بنده مشغول مطالعه و بحث در باب این نامه استاد هنینگ بودیم که آقای فروزانفر تشریف آوردند و نسخه‌ای از معارف بهاء ولد برای بنده تحفه آوردند. محتاج بگفتن نیست که يك دقیقه بعد تمام صحبت و بحث ما بموضوع دشمنیادگی مستغرق شده بود و تحسین و اعجاب ما بحدس صائب و نظر ناقد آن استاد بحداعلی رسیده بود. در این کتاب معارف بهاء ولد این لفظ بصورت دشمنیادگی، دشمنان ذکی (غلط)، دشمنیادگی، و حتی دشمنیادگی لا اقل نُه بار آمده است، و جای شگنی

نمی ماند که این لفظی که در تاریخ بیهقی (چاپ آقای دکتر فیاض و مرحوم دکتر غنی ص ۳۱۷) و مرزبان نامه (چاپ مرحوم قزوینی ص ۱۲۴) و کلیله و دمنه (چاپ مرحوم امیر نظام گزوسی صفحات ۱۷۰، ۱۸۰، ۱۹۴، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۶۱، ۳۱۴) دشمنانگی چاپ شده است باین صورت غلط است و صحیح آن دشمنایگی است لاغیر. عجب اینست که در کتاب التفهیم بیرونی در فصل «دوستی و دشمنی ستارگان» (چاپ آقای جلال همائی صفحات ۴۰۰ تا ۴۰۳) چهار بار این لفظ آمده است و همیشه در اصح نسخ دشمنانگی یا دشمنانگی یا دشمنان دکی بوده است، و جناب آقای همائی همه را بدل به صورت معمولی دشمنانگی کرده اند، و صورتهای اصلی را در حاشیه بعنوان صورت مردود و غلط ذکر کرده اند؛ ولی آقای فروزانفر صورت نسخ اصل را حفظ کرده اند.

يك كلمه هم در باب اینکه آیا دشمنانگی درستست و از مقوله دیوانگی و مردانگی و زنانگی و شادمانگی هست یا نه. جواب اینکه خیر، زیرا که دشمنانه و دوستانه از مقوله قیود افعال است، و از این نوع کلمات اسم معنی ساخته نمی شود. این عقیده آقای فروزانفر است و گمان می کنم حق با ایشان است.

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### این نیز بگذرد...

پادشاهی دُرِ ثمنینی داشت	بهر انگشتری نکینی داشت
خواست نقشی که باشدش دو نمر	هر زمان کافکند بنقش نظر
گناه شادی نکیردش غفلت	گناه آنده زدایدش محنت
هر چه فرزانه بود در ایام	کرد اندیشه، ولی همه خام
زنده پوشی پدید شد آن دم	گفت بنگار: «بگذرد این هم.»

حاج ملاهادی سبزواری